



تاریخ	۲۴
اسفند	
۱۳۹۶	
پنجشنبه	

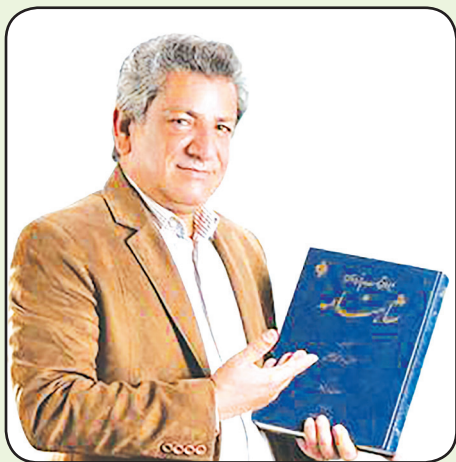
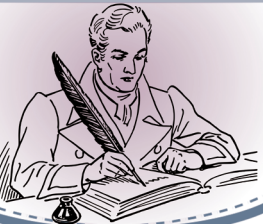
## ضرب‌المثل‌های جهان

### پیش آمد بد ممکن است از بعضی از جهات به نفع شخص تمام شود.

فرانسوی

صفحه	۵
شماره	۲۲۰۰
سال	بیست و سوم

## زنگ انشا



تدریس را بیاموزیم و به کار بندیم، سزا و راست که قبل از آن که بار سنگین معلمی ما در ترازوی رستخیز، ارزیابی و سنجیده شود؛ در ترازوی احدخوی این نو باوگان، سخته و سنجیده گردد و چه رهاوردی از این شیرین‌تر و گوارتر.

اگر به قلم دانش آموز، میدان جولان دهیم؛ او بهروستی می‌تواند، هم تمرین آزادی و استقلال فکر کند و هم برای آینده خود و جامعه، ره‌توشه بردارد. امید که این چنین شود. ایدون و ایدون تر باد.

دماغ‌ها فریبه‌تر و پخته‌تر گردند؛ بدان امید که درگیر و دار این جدال‌ها و چالش‌ها و ستیزها، سنتزی پدیدار شود برای برون رفت از این بحران‌های فکری و فرهنگی و اجتماعی.

«زنگ‌ها! انشا»، که از تطامی افکار است. زنگ تعامل و تحمل دیدگاه مخالف است. زنگ بیداری و هوشیاری است. زنگ برخورد سلیقه‌ها و علاقه‌ها و بازیابی و بازآفرینی آن‌هاست. زنگ انتقاد و بعضاً پرخاش و اعتراض است. زنگ گشت و گذاری آزاد و رایگان در باغ دل‌های نونهالان است. زنگ تلطیف دل‌وجان و تنظیف روح و روان است. زنگ احترام به آرای همگانی است. زنگ ارانه‌ی طریق است. زنگ مشورت و مشارکت در عقول جمعی است. زنگ پیشنهاد برای بهینه شدن است. زنگ رفتارندوم است.

شیپور انشا، صوراسرافیل است. اسرافیلی که بر بنیان! مرصوص نصوص «موتوا قیلان تموتوا» و «یخرجون من ابدانکم قبلان یخرجکم» به ما می‌گوید: «رستخیزی ساز قبل از رستخیز». چه زیبا و اهورایی و تماشایی است؛ ساعتی که فرزند، پدرش را نصیحت کند و یا دانش‌آموزی، معلمش را اندرز دهد و ما در آینه‌ی شفاف و نورانی نگاه تیز و تند و نقادانه و در عین حال، ساده و بی‌آلایش این فرزندانمان به کاستی‌ها و لغزش‌های خود، آشنا شویم و شیوه‌های مناسب‌تر

داریم که تمام هفته، دانش‌آموز دل به کتاب و کلام ما بسپارد؛ جا دارد که یک تک‌زنگ (چهل‌وپنج دقیقه) هم گوش ما، بدهکار و آماده‌ی شنیدن حرف دل او باشد تا ببینیم، چه می‌گوید؟ اگر کمی حوصله به خرج دهیم، درمی‌یابیم که خیلی حرف‌های حساسی دارند و به دنبال گوش شنوایند. من که از محضر صاحبان این دل‌های پاک، توشه‌ها برداشته و برمی‌دارم و نکته‌های نغز، آموخته و می‌آموزم، سرمست و بی‌قرار تراواشات خامه‌ی ایشانم که سال‌ها شکسته و خاک خورده‌اند.

در کلاس انشا، جای معلم و دانش‌آموز عوض می‌شود. غالباً معلم، مستمع است و دانش‌آموز هم بعضاً خطابه‌خوان بلاتمازع. قلم‌های این نویسندگان تازه‌وارد، نوازش گر دل‌وجانند. بیابیم تا هفته‌ای یک بار در بارگاه پاک و درخشان این آینده‌سازان، بنشینیم تا دریابیم که آن‌ها بسیاری از نکته‌های باریک‌تر از ما، در سر پرسودای خود دارند. باید کمی به آن‌ها مجال و محل دهم و باظرافت و فراست خاصی، قلم‌هایشان را به‌سوی مقاصد عالی که خیر امروز و فردایشان در آن است؛ سوق دهیم؛ نه این‌که ملای مکتب شویم و یافته‌های ذهن و زبان خود را به آن‌ها تحمیل و دیکته کنیم.

بگذار «زنگ انشا» به صدا درآید تا شعاع دایره‌ی تضارب آرا و افکار درازتر شود و سر به فلک کشد و

بلکه پیراسته و آراسته‌تر گردند تا در گستره‌ی تمدن و فرهنگ ملی و مللی، منشأ اثر و خدمات سترگ و بزرگ شوند.

نویسنده‌ی این ستور، عاجزانه از مسئولین و دست‌اندرکاران این امر خطیر و شریف فرهنگی، تقاضا دارد که با بی‌تفاوتی از کنار این رنج‌نامه، نگذرند و با سکوت خود، موجبات مظلومیت بیش‌ازپیش «زنگ انشا» را فراهم نکنند؛ زیرا همین جفاهایی که در این سی سال، بر سر قلم و اهل آن در مدارس آمده؛ کافی است.

می‌دانیم که مدیریت «زنگ انشا» کاری سخت و توان‌فرسا و طاقت سوز است و شاید، همین امر هم عامل بی‌انگیزی و بی‌رغبتی دبیران ارجومند شود؛ اما اگر دوران خوش دانش‌آموزی خود را به یاد آوریم، خواهیم پذیرفت که با شکیبایی و داشتن برنامه و طرح درس، می‌توان دانش‌آموزان را به هر چه پربارتر کردن این کلاس، تشویق و ترغیب کرد. سه دهه غیبت انشا، باعث شده که این درس، عجیب، غریب و مهمان ناخوانده، فرض و تلقی شود و جماعتی بدان به چشم بیگانه و اجنبی نگاه کنند. در حالی که «زنگ انشا»، زنگ دل نوشته‌های نسل فردا است. نسل فردایی که هم‌اکنون در کلاس من و تو، خمیرمایه‌ی شخصیتشان شکل می‌گیرد و ادب‌آموز مکتب مايند. وقتی که توقع

از وقتی که مقاله‌های زنگ انشای من، در چهارشنبه‌های هفته‌های گذشته در روزنامه‌ی وزین و خوش آب و رنگ و پرمحتوای طلوع، به چاپ می‌رسد، بعضی از دبیران و دانش‌آموزان و اولیایان، با تماس در شبکه‌های مجازی و در دیدارهایی که داشته‌ام، اظهار می‌دارند که با اندوه بسیار، تعدادی از مدارس مشهور شیراز، زنگ انشا را تبدیل به کلاس کنکور کرده‌اند و یا به‌جای آن، کتاب فارسی را تدریس می‌کنند.

ضرورت دارد که سازمان محترم وزارت آموزش‌وپرورش استان فارس، طی بخشنامه‌ای از ادارات تابعه بخواهد تا به‌جای «زنگ انشا» هیچ کتاب دیگری تدریس نشود و سرگروه‌های رشته‌ی ادبیات نیز بر حسن اجرای مفاد این دستورالعمل نظارت کنند.

«زنگ انشا»، فرآیند و برآیند و کاربرد عملی، آموزه‌هایی است که دانش‌آموز در درس فارسی فراگرفته است و برگزاری این کلاس آن‌قدر ضروری و واجب است که هیچ درسی شایستگی جانشینی آن را ندارد.

در کمال استغنازه از مدیران و دبیران گرامی آموزشگاه‌ها تمنا داریم که هفت انشای دانش‌آموزانی که تاکنون در این روزنامه چاپ‌شده‌اند، بخوانند؛ آن‌گاه یقیناً باور خواهند کرد که سزاوار است این قلم‌ها شکسته نشوند،

## روکش‌های میرا یا نامیرا!

عرفان حق دوست، دانش آموز پایه یازدهم، دبیرستان مجتمع آموزشی امام رضاع، ناحیه یک شیراز

داشتم به آن‌ها می‌گفتم که اگر راحت‌تر است، روکش نایلونی میل‌های رنگ روشنم را بردارم. البته از قبل می‌خواستم این کار را انجام دهم؛ اما فراموش کرده بودم. تعارف کردند و گفتند: نه لازم نیست. همین‌طور راحت است زیرا میلمان ما هم روکش دارد؛ اما من گرم شده بود و میل زیر رانم می‌لغزید و لیس می‌خورد. دیگر حوصله‌ام سر رفت. در یک عمل انتقالی و عجولانه روکش‌ها را دریدم و برداشتم و از شرش برای همیشه خلاص شدم. یک‌دفعه احساس کردم که حالا چقدر میل راحت‌تر شد و معنی و کاربرد واقعی خود را پیدا کرد. حدوداً سه و یا چهار سالی می‌شد که آن را خریده بودم. خوشبختانه در این مدت نسبتاً طولانی نه لکه‌ای بر آن خودنمایی می‌کرد و نه ضربه‌ای بر آن کارگر افتاده بود. گویی اسفندیار روبین‌تن بود که تیر رستم حوادث و گذر زمان، در آن کارگر نماند نبود.

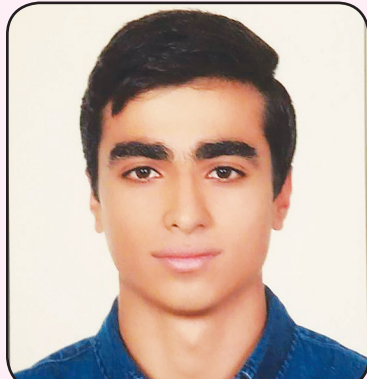
اگرچه بیشتر اوقات به دلیل داشتن همین روپوش نایلونی، از لذت راحت نشستن، محروم مانده بودم. حالا که به قول صاحب کلیه‌دمنه بر چهار بالش خرسندی تکیه



با گوش جان بشنوم و در زندگی مان ساری و جاری کنیم و هر لحظه، خود را مخاطب این اندرز نغزش قرار دهیم که فرمود: **از دی که گذشت هیچ از او یاد مکن** فردا که نیامده است فریاد مکن بر نامده و گذشته بنیاد مکن **حالی خوش باش و عمر بر باد مکن** و یاد بگیریم که اگر نو نشویم، می‌میریم و تکیه بر سنت‌های غلط و روکش‌های مزخرف، تکیه بر دیوار پوسیده و کج است.

## سفر برگ

آرین روحانی‌راد، دانش آموز پایه یازدهم، مجتمع آموزشی امام رضاع، ناحیه یک شیراز



در نویمیدی بسی امید است پایان شب سیه سپید است

است که قدم نهادن بر آن خش‌خشی نوازش‌گر گوش، گشایش‌گر چشم و تسکین‌دهنده‌ی قلب است.

بوجود دوری از خانه و کاشانه، سرخی سیمایش گواه مسرت‌بخش قلبش است. این مسرت، لبریز از دل‌ت است که برای دوباره خاک شدن، خوراک شدن و برگ شدن، می‌تپد. برای همان یک‌لحظه به پرواز درآمدن، برای بودن در سمفونی کلاغ‌ها، برای همان رقصیدن به ساز باد... برگ به من و تو می‌آموزد که سقوط نه مقدمه که عین پرواز است و تا سقوط نکنی، دوباره نمی‌روی و قد قامت پرواز نمی‌بندی. پس؛

هوا رو به سردی است. زمین تب کرده، آسمان رنگ‌باخته، باد دوباره تازیه‌بان بر پیکره‌ی درختان می‌نوازد. درخت هم به ساز باد می‌رقصد و برگ‌های اجاره‌نشین خانه‌اش را بدرقه‌ی سفر می‌کند. سفری نه‌چندان طولانی.

برگ، این کودک پاک در هوا و لرزان خانه‌ی درخت، دست شاخه‌ی مادر را می‌بوسد و وداع می‌کند. رقصان، لرزان، بی‌اختیار، سرسپرده، به‌فرمان و فشار جاذبه، از بلندی شاخه تا پستی پای‌ی پربرگ درخت، در سقوط، پرواز می‌کند. رصدخانه‌ی چشم‌هایش اطراف را می‌نگرد، حاصل این پرواز، عضویت در فرش برگ‌ی

## پرواز در بی‌نهایت

محمد دهقانیان، دانش آموز پایه یازدهم ریاضی، مجتمع آموزشی امام رضاع، ناحیه یک شیراز



پرواز کرده. حالا شما به من بگویید که او کیست؟ کسی است که وقتی بالم را شکست؛ مرا نکشت؛ بلکه تیمارم کرد. هنگامی که گشته و تشنه بودم، رهایم نکرد؛ بلکه حاجت‌روایم کرد. وقتی که غمگین بودم، غمگین می‌شد و تا می‌دید که شادم، همه‌ی غصه‌هایش را فراموش می‌کرد.

تا بودم. بود. پس «تا هستم و هست دارمش دوست.»

شاید این نظر شما، کار خاصی انجام نداده باشد اما برای من همه‌چیز و همه کارش خاص است.

عشق‌ورزی را خوب می‌دانم؛ چراکه خود، رندی بلاکش است و از این‌که ناز پروردگارم باشد؛ بدش می‌آید. دوست داشتن را بلد است و همین ویژگی‌ها برای خاص و بی‌بدیل بودنش کافی است.

زمانی که سنگ تنهایی، شکار و زمین‌گیرم کرده بود، او بر بالینم آمد و با داروی عشق، مرا از وحشت زندان سکندر آزاد کرد. در قفس دل یار، اسیر شدم تا بتوانم تا بی‌نهایت پرواز کنم و بی‌کران‌ها را زیر سطره‌ی شهپر عشق خود بگیرم و از خوردن آب و دانه‌های مهربانی او، دیوانه و سرمست گردم.

پرواز از یادم رفته و دیگر رهایی را دوست ندارم. کجا بروم بهتر از اینجا؟! همه از بودن در قفس بیزارند؛ اما من...!

اینجا خانه‌ی من و آرام کده‌ی من است. از اینجا بروم، قد می‌کنم.

بگذارید بیوش‌تر برایشان تعریف کنم تا شما بفهمید چرا این مکان، برایم این‌قدر دوست‌داشتنی شده است؟! دیوارهای این قفس از آجر مهربانی و سازش ساخته شده است. مهربانی و سازش یک شخص است؛ و تکرارناپذیر.

روشنایی چراغ زندگی من، از برق چشمان اوست. گرمای دل‌وجانم از گرمای وجود اوست. از موهای در هم و پیچانش برای آهوی ریمده‌ی دلم قفسی ساخته که از هزاران مغزگار، دلکش‌تر است. مگر نه هر مرغ اسیری، آب و دانه می‌خواهد. آب و دانه‌ی من، نگاه هوش‌ربای اوست. دلم می‌خواهد هر لحظه به او بگویم: **مرا کیفیت چشم تو کافی است** **ریاضت کش به بادامی بسازه** همه و همه‌ی وجودم از اوست و ای کاش بدانم که همه‌ی ندای من است.

آری اوست که این پرنده‌ی آزاد را اسیر خود کرده و عشقش را جایگزین عشق به

پدینوسیله به آقای مهرداد توکلی فرزند فریبرز که به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۲۰۰۹۶۹ در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۲۰۰۹۶۹ دادن ۴ گرم تریاک و نگهداری ۱۲ گرم تریاک و چهار گرم شیره به هفت میلیون ریال جزای نقدی و ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم گردیده است ابرام می‌شود. چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند طرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در شیراز- بلوار جدید قرآن- بلوار شهید آیت اله ربانی شیرازی- شعبه پنجم دادگاه انقلاب شیراز تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد. ۲۶۴۳۸/م الف ۲۶۴۳۹

پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۱۱۷۴۰۱۳۴۶ شعبه چهارم دادگاه انقلاب شیراز تصمیم نهایی شماره...  
متهم: آقای مظفر نصیری فرزند محمدعلی به نشانی فارس- شیراز روستای دوکوهک فاقد ادراک؛ نگهداری به نفع های ماری جوانا  
به تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۹ در وقت فوق العاده جلسه شعبه چهارم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز به تصدی امضاء کنند ذیل تشکیل است پرونده حاضر مطروح رسیدگی است ملاحظه میگردد که متهم حاضر نگردیده و لایحه ای ارسال ننموده است دادگاه با استعانت از خدائوند متمال ضمن بررسی محتویات پرونده ختم رسیدگی اعلام و بشرح ذیل میادرت به صدور رای میبندد.  
رای دادگاه:  
در خصوص اتهام آقای مظفر نصیری فرزند محمد علی دایر بر کتت سه بوته شاهدانه جهت تولید مواد مخدر با توجه به گزارش مامورین و کیفرخواست صادره از دادسرا و با عنایت به سایر قرائن و امارات موجود، بزه انتسابی از نظر دادگاه محرز و مسلم است مستندا به مواد ۲ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر حکم بر محکومیت متهم به تادیه سی میلیون ریال جزای نقدی بابت کتت سه بوته شاهدانه جهت تولید مواد مخدر به مجتنب باستناد ماده ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی، حکم به اجمالی بوته های مکشوفه، صادر و اعلام می نماید. حکم صادره غیابی و طرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و سپس طرف بیست روز پس از آن قابل تجدید نظر خواهی در محاکم تجدیدنظر استان فارس می باشد. ۲۸۷۸۹/م الف ۲۶۴۴۴

پدینوسیله به آقای غلامحسین روحانی ابلاغ میشود که به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۰۱۰۰۵۰۱ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی کازرون به: **رای دادگاه**

در خصوص دعوی آقای منصور جهانگیری فرزند حسن به طرفیت آقای حسین روحانی به خواسته صدور حکم به اعسار از هزینه دادرسی مرحله بدوی، دادگاه نظر به اینکه مدعی اعسار از هزینه در جهت اثبات ادعای خویش به استنادبده محلی، گواهی گواه و سوگند، استناد ننموده و حسب استنادهای پیوست پرونده، سوگند مدعی اعسار و گواهی گواه که با جری تشریفات قانونی در محضر دادگاه ضمن اعلام آگاهی از وضعیت و توان مالی خواهان بر عدم قدرت پرداخت هزینه در دعوی مطروحه گواهی داده است، فلذا در وضعیت فعلی مدعی اعسار فعلا دسترسی به این میزان هزینه دادرسی وجود نداشته و با التفات به دیگر قرائن و امارات موثر در قضیه و موجود در پرونده ، ضمن ثابت دانستن ادعای خواهان مستننه به مواد ۵۰۴ ، ۵۰۶ و ۵۰۷ قانون آئین دادرسی مدنی، حکم به اعسار موقت خواهان از پرداخت هزینه دادرسی مرحله بدوی تا زمان اجرای حکم صادر و اعلام می دارد . رای صادره حضوری و ظرف بیست روز پس از ابلاغ قابل تجدید نظر خواهی در محاکم محترم تجدید نظر استان فارس است . ۱۷۵۱/م الف ۶/۲۲۷۰

مسلم قزل بیگلو - دادرسی شعبه اول دادگاه عمومی حقوقی کازرون

**آگهی ابلاغ دادنامه کیفری**  
پدینوسیله به آقای مهرداد توکلی فرزند فریبرز که به موجب دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۲۰۰۹۶۹ در پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۲۰۰۹۶۹ دادن ۴ گرم تریاک و نگهداری ۱۲ گرم تریاک و چهار گرم شیره به هفت میلیون ریال جزای نقدی و ۱۰۰ ضربه شلاق محکوم گردیده است ابرام می‌شود. چنانچه نسبت به حکم صادره اعتراض دارند طرف بیست روز از تاریخ انتشار این آگهی درخواست خود را به این مرجع واقع در شیراز- بلوار جدید قرآن- بلوار شهید آیت اله ربانی شیرازی- شعبه پنجم دادگاه انقلاب شیراز تسلیم نمایند در غیر اینصورت پس از انقضای مهلت مقرر طبق مقررات قانونی اقدام خواهد شد. ۲۸۷۸۹/م الف ۲۶۴۳۸

**مدیر دفتر شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شیراز**

**آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمانت به آقای غلامحسین روحانی فرزند مسعود**  
خواهان آقای منصور جهانگیری و خانم زهرا نهبزادی دادخواستی به طرفیت خوانده آقای غلامحسین روحانی به خواسته مطالبه وجه و جلب ثالث مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۱۸۰۱۰۰۶۳۳ شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان کازرون ثبت و وقت رسیدگی مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۴ ساعت ۱۰ تعیین کسب دستور دادگاه طبق موضوع ماده ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی مدنی به علت مجهول المکان بودن خوانده و درخواست خواهان مراتب یک نوبت در یکی از جراید کنترلاشتار آگهی می‌گردد تا خوانده ظرف یک ماه پس از تاریخ انتشار آگهی به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود، نسخه تالی دادخواست و ضمانت را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی در دادگاه حاضر گردد. ۱۷۵۲/م الف ۶/۲۲۷۰

**آگهی ابلاغ وقت رسیدگی و دادخواست و ضمانت به آقای غلامحسین روحانی فرزند مسعود**  
خواهان آقای غلامحسین روحانی به خواسته مطالبه وجه و جلب ثالث مطرح که به این شعبه ارجاع و به شماره پرونده کلاسه ۹۶۰۹۹۸۷۱۸۰۱۰۰۶۳۳ شعبه اول دادگاه عمومی (حقوقی) دادگستری شهرستان کازرون ثبت و وقت رسیدگی برای روز دوشنبه ۱۳۹۷/۱۲/۲۴ ساعت ۱۰ صبح تعیین شده است با توجه به مجهول المکان بودن مشتکی عنه به درخواست شاکی و دستور دادگاه و تجویز ماده ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری مراتب یک نوبت آگهی می‌شود تا خوانده از تاریخ انتشار این آگهی ظرف یک ماه به دفتر این دادگاه واقع در قائمیه دفتر شعبه ۱۰۱ کیفری دو مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود در وقت یاد شده جهت رسیدگی حاضر گردد در غیر این صورت وفق مقررات قانونی اتخاذ تصمیم خواهد شد. ۱۷۵۳/م الف ۶/۲۲۷۳

**دادرسی شعبه ۱۰۱ کیفری دو دادگاه عمومی جنتراشاهیجان**

**آگهی فقدان سند مالکیت بخش ۷ فارس شهرستان کازرون**  
نظر به اینکه وراثت مرحوم عبدالرسول بزدانی برابر دادنامه حصر وراثت کازرون و کالتنامه ۱۰۵۳۱-۱۳۹۶/۸/۲۳ دفتر ۶۸ پوشهر با و کالت خانم مرجان بزدانی از طرف خانم مریم بزدانی که آقای عبدالرسول بزدانی مالک ششدانگ پلاک ۱۲۴۳۴/۴ قطعه ۱۹ بخش ۷ فارس کازرون می باشد یا تسلیم دو برگ استنهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۱۹ کازرون تنظیم گردیده مدعی است که یک جلد سند مالکیت مربوط به سهم مالکیت مورث خود بیزبان ششدانگ بنام آقای عبدالرسول بزدانی ثبت و سند مالکیت در دفتر ۱۱۳ صفحه ۷۹ ثبت ۱۰۴۵۲ شماره چاپی ۲۹۰۸۱۴ صادر گردیده و سند صادره به علت سهل انگاری مفقود گردیده است لذا نامبرده تقاضای صدور المثنی سند مالکیت نموده مراتب طبق ماده ۱۲۰ اصلاحی آیین نامه قانون ثبت آگهی میشود که هر کس نسبت به ملک مورد آگهی معامله ای کرده و یا مدعی وجود سند مالکیت نزد خود می باشد تا ده روز پس از انتشار آگهی به ثبت محل مراجعه و اعتراض خود را ضمن ارائه اصل سند مالکیت یا خلاصه معامله تسلیم نماید و اگر ظرف مدت مقرر اعتراضی نرسیده و یا در صورت اعتراض اصل سند ارائه نشود اداره ثبت المثنی سند مالکیت را طبق مقررات صادر و به مقاضای تسلیم خواهد کرد. ۶/۲۲۷۱ ۶/۱۷۴۸/م الف تاریخ انتشار: ۹۶/۱۲/۲۴

**آگهی ابلاغ مفاد حکم**  
پدینوسیله به آقای غلامحسین روحانی ابلاغ میشود که به موجب حکم شماره ۹۶۰۹۹۷۷۱۸۰۱۰۰۵۰۱ صادره از شعبه اول دادگاه حقوقی کازرون به: **رای دادگاه**

**دواد انصاری - رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان کازرون**